



## در آمدی بر مفهوم اصل برائت در پرتو قوانین داخلی و اسناد بین المللی حقوق بشر

حامد اکبری گندمانی<sup>۱</sup>

کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان واحد خوراسگان

محمد شمعی

هیئت علمی، دکترای حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان واحد خوراسگان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۲)

### چکیده

حقوق بشر؛ نه به مثابه آرمانی ناکجا آبادی و مدینه فاضله‌ای، بلکه به مثابه ضرورتی هنجاری، آمیخته با ارزش‌ها و اخلاقیات ریشه‌دار در مکاتب مذهبی و انسانی، امروزه به یکی از محورهای اساسی تاثیرگذار در جوامع تبدیل شده است. از این منظر در پرتو پدیده جهانی شدن و آگاهی‌های ناشی از گسترش روز افزون تکنولوژی- های اطلاع رسانی، مسئولیت و پایبندی دولت‌ها و افراد انسانی به رعایت موازین مزبور در روندهای اجتماعی و بین المللی قاطعانه طلب شده است. از آنجا که آزادی، لازمه وجودی انسان و به عنوان یکی از حقوق فطری، غایت مطلوب جامعه بشری است، همگان باید به آن با دیده احترام بنگرند و از تعرض نسبت به آن احتراز کنند. اما ماجراجویی‌های متداول در جامعه و تجاوز افراد به حقوق یکدیگر موجب پذیرش و تاسیس اصل مسئولیت کیفری و در نتیجه، اعمال محدودیت بر آزادی افراد متجاوز شده است. با فرض مذکور، در جریان کشف جرم، تعقیب و مجازات مجرمین، ممکن است بزهکاری افراد تحت تعقیب و مورد اتهام هنوز به اثبات نرسیده باشد و

1- Email: akbarihamed5@gmail.com

\* (نویسنده مسئول)

مقامات مسئول با تردید مواجه شوند. در چنین حالتی، حکم به محکومیت و اعمال مجازات نسبت به فردی که هنوز انتساب جرم به او محرز نشده است، دور از انصاف خواهد بود. نوشتار حاضر درصدد است با روش توصیفی تحلیلی، ضمن بیان تاریخچه ای از روند شکل گیری اصل برائت و تبیین این مهم، به بررسی مبانی این اصل و مقایسه تطبیقی این اصل در حقوق اسلام و اسناد بین المللی حقوق بشر پردازد.

### واژگان کلیدی

حقوق بشر، آزادی، حقوق، جرم، متهم، اصل برائت

## **Survey on presumption of innocence under the protection of interior law and international human law**

### **Abstract**

Human law is not a Utopia ideal but also it changes to an important and effective point in the societies as normative necessity with values and ethics in the religious and humanistic school. In this view, in light of globalization and perceptions due to time to time development of information technology, government and individuals' fidelity to respect laws in social and international processes have applied. As freedom is a prerequisite and desirable absent for human and society, everyone must respect this and avoid the aggression with. But prevalent adventures in the society and abusing are causes of the existence and acceptance of criminal responsibility and finally exerting the limitation on the aggressors' freedom. Keep in mind that perhaps in the crime detection process, pursuance and punishment the criminals, delinquency has not proven yet and authorities been in doubt. In this case, condemning and sentencing the person who has not known as guilty is unfair. This article explains the history of forming the presumption of innocence process by the descriptive- analysis method at first; it also investigates principles of this element then, confers a comparison between Islamic laws and international documents of human law.

### **Keywords**

human law, freedom, law, crime, alleged (accused), innocence



## مقدمه

از دیدگاه جامعه شناسی، کلیه گروه بندی‌های بشری اعم از خانواده، قبیله، عشیره، روستا، شهر، کشور و نظایر آن‌ها جامعه به معنی اعم کلمه هستند. انسان بر حسب گرایش‌های طبیعی یا نیازهای اجتماعی به منظور ایجاد امکانات زیستی و مبارزه با دشواری‌های حیات، خواه ناخواه به سوی همنوگان رانده می‌شود. تماس و زندگی افراد با یکدیگر در چهارچوب شغل، اقتصاد، رفاه، فعالیت‌های مذهبی یا سیاسی، در حقیقت تضمین موجودیت افراد انسانی و تامین نیازهی گوناگون آنان است. انسان باید لزوماً در محیط اجتماعی زندگی کند تا امکان حیات یابد. لذا اجتماع‌گرایی فرد، چه روانی باشد، چه برحسب فطرت و چه براساس الزامات صرفاً اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر است، که نخستین سنگ بنای تشکیل جامعه را می‌گذارد (قاضی، ۱۳۹۰: ۱۹). نگاهی به سنگ‌نوشته‌های قدیم و جدید نیز، بیانگر اجتماعی بودن انسان دارد و در این اجتماعی بودن است که انسان خود را در مقابل سایر همنوگان، نیازمند امنیت و آسایش می‌بیند. توجه به این نکته ضروری است که با آنکه افراد انسانی در سیل خروشان و اقیانوس بی‌کران جماعت ناپدید می‌شوند، هیچگاه حقوق و آزادی‌های آنان از اعتبار نمی‌افتد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۴۲). نگرشی کوتاه بر ماجرای زمامداری همه کشورها از گذشته تا کنون، نشان‌دهنده نوعی تضاد و رقابت دائمی جاه‌طلبانه بین حکام و مردم بوده و اکثراً سرکوب و ارباب از ناحیه حکومت و یا شورش‌های مردمی را در پی داشته است. دولت‌ها، همواره، طالب «قدرت» و افراد همیشه مشتاق «آزادی» اند (هاشمی، ۱۳۹۴: ۲۰).

ترس از اختیارات مطلق و اقتدارگرایی دولت‌ها، همواره یکی از نگرانی‌های دایمی ادیان الهی و اندیشمندان از دوران باستان تا کنون و به ویژه در سده هجدهم بوده است. به همین علت، حق امنیت به عنوان یکی از حقوق اولیه شهروندان مطرح گردید. امنیت به مفهوم عام، به معنی نبود هرج و مرج و بی‌نظمی و مصونیت از تعرض به حقوق و آزادی‌های اشخاص از جمله کرامت، حیثیت، جان، مال و شغل اشخاص است. امنیت و آزادی دو گوهر گران‌بهایی است که آدمیان از دیرباز همواره در فراز و نشیب تاریخ در جستجوی آن بودند و در این راه، رنج‌ها کشیدند و تلخی‌ها چشیدند تا دریابند چگونه می‌توان بندهای جهل را از پای خود بکشایند و در سایه قانون، آرامشی دوباره پیدا کنند. اصل برائت کیفری یا فرض بی‌گناهی یکی از مهم‌ترین سنگ‌رهای است که شهروندان در پناه آن توانسته‌اند رمز مقابله با تجاوز و تعرض به حقوق خود را دریابند و احساس امنیت و آزادی را در وجود خود تقویت کنند. به موجب این اصل، هرکس به ارتکاب جرمی متهم شود

بی گناه فرض می‌شود تا اینکه گناهکاری او بر طبق قانون در یک دادگاه صالح ثابت گردد. با قبول لازم الاحترام بودن آزادی و امنیت افراد، نباید فراموش کرد که ارتکاب جرم به عنوان یک حقیقت تلخ، در هر جامعه‌ای مطرح است. پس به همان اندازه که دولت‌ها متعهد به احترام نسبت به حقوق و آزادی‌های افرادند مبارزه با مجرمان، برای حفظ نظم جامعه نیز از اهمیت تکالیف حکومتی به شمار می‌رود. توجه به این نکته ضروری است که در تلفیق بین حرمت اشخاص و نظم جامعه، باید توجه شود که آزادی، به عنوان حق طبیعی، رایج و متداول است و تعرض به نظم جامعه امری استثنایی به شمار می‌رود که در این صورت، تعقیب و دستگیری افراد متعرض، باید منطقی، توجیه پذیر و براساس ضوابط قانونی باشد. اصل برائت، به عنوان میعادگاه وجدان‌های آگاه قانونگذاران عصر ما، تخیلی شاعرانه نیست بلکه واقعیتی والا و گرانبه‌است که حمایت از آن تکلیف قوای سه گانه در سطح ملی و کشورهای متعاهد اسناد بین المللی در سطح جهانی است و احترام به این اصل یعنی پشتیبانی از کرامت انسانی و تخطی از حدود و تجاوز به آن نقض حریم انسانیت است.

مطابق اصل قانونمندی حقوق کیفری، اولاً: هیچ عملی جرم نیست مگر آن که قبلاً از طرف قانونگذار جرم اعلام شده باشد؛ ثانیاً: هیچ مجازاتی نمی‌تواند مورد حکم قاضی قرار گیرد، مگر آنکه آن مجازات قبلاً توسط قانونگذار برای آن جرم وضع شده باشد؛ ثالثاً: هیچ دادگاهی صلاحیت رسیدگی به جرمی را ندارد مگر این که قانونگذار آن دادگاه را صالح برای رسیدگی به آن و جرم شناخته باشد؛ رابعاً: هیچ حکمی از دادگاه صالح علیه متهمی صادر نخواهد شد مگر پس از رسیدگی و محاکمه، آن هم بر اساس شرایط مقرر در قانون (مصطفی زاده و مظاهری، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

با نگاهی به تاریخ تحولات حقوق جزا از یکسو، مشاهده می‌گردد که فروض قانونی نقش بسیار مهمی را در روند دادرسی‌ها داشته‌اند. اصول قانونی در هر مقطع زمانی جایگاه و یا کارکردهای متفاوتی در دادرسی‌های کیفری داشته‌اند. از جمله این فروض قانونی می‌توان به دوئل یا مبارزات قضایی اشاره نمود که قرن‌ها در سراسر جهان به ویژه در اروپا رواج داشته است (دامچی و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۲۶۵) و از سوی دیگر، با نگاهی به مطالعات تاریخی به این نتیجه می‌رسیم که در گذشته‌های دور و حتی یکی دو قرن اخیر، جز در برخی از نظام‌های حقوقی مانند اسلام، اصل برائت، حداقل در برخی اتهامات قابل پذیرش نبوده و در صورت عدم توانایی شاکی بر ارائه دلیل کافی علیه متهم، اثبات بی‌گناهی بر خود متهم واگذار می‌شده است (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۳۵). اگر چه برخی از نشانه‌های اصل برائت متهمین را در پاره‌ای از قوانین به جا مانده از ادوار گذشته می‌توان دید.

به عنوان نمونه، در مجموعه قوانین حمورابی که یکی از قدیمی‌ترین و کامل‌ترین قوانین مربوط به حدود ۴۰۰۰ سال پیش است، در ماده ۱۳۱ مقرر گشته است: «هرگاه مردی به زوجه خود بدگمان شود و او را متهم نماید در صورتی که مشارالیه‌ها را با مرد اجنبی همبستر ندیده باشد، زن بر براءت خود، خداوند را سوگند خورده و در خانه خود باقی خواهد ماند». این ماده نشانگر پذیرش اصل براءت تا حدودی توسط قانون حمورابی است. همچنین از نشانه‌های اصل براءت در ادوار تاریخی می‌توان به دستور آنتونیوس در حقوق روم اشاره کرد که مقرر نموده: «در موارد شک و تردید نسبت به مجرم بودن متهم، به سود او بایستی قضاوت شود و هرکس مادام که گناه او ثابت نشده، بی‌گناه است» (حجتی کرمانی، ۱۳۶۹: ۱۸۰). البته جدای از نشانه‌های فوق در مورد پذیرش اصل براءت در ادوار گذشته در برخی از قوانین، موارد بی‌شمار دیگری از جمله توسل به اوردالی یا داوری ایزدی می‌توان یافت که نشان از بی‌توجهی به اصل براءت و عدم پذیرش آن می‌باشد. براساس اوردالی، قضات بر این باور بودند که ایزدان به کمک متهم بی‌گناه خواهند شتافت و چنین متهمی از آزمون اوردالی سربلند بیرون خواهد آمد. این شیوه در منشور حمورابی، در ایران باستان و در اروپای قرون وسطی به کرات دیده می‌شود. به عنوان مثال، ماده ۱۳۲ قانون نامه حمورابی مقرر می‌دارد: «هرگاه زن شوهرداری متهم به هم خوابگی با مردی اجنبی شود ولیکن شوهر، او را با دیگری همبستر ندیده باشد، زن باید برای اثبات بی‌گناهی خود یک بار در نهر مقدس غوطه ور شود» یا ماده ۲ قانون نامه حمورابی مقرر می‌دارد: «هرگاه شخصی دیگری را متهم به جادوگری نماید ولیکن قادر به اثبات آن نباشد متهم باید در داخل رودخانه غوطه ور شود».

محاكمه از طریق اوردالی نه تنها در قانون نامه حمورابی بلکه در تمام تمدن‌های بزرگ تاریخی به استثنای مصر و چین رایج و متداول بوده است. اوردالی پدیده‌ای کاملاً متعلق به جهان باستان است و این شیوه به گونه‌های بسیاری وجود دارد که متداول‌ترین آن‌ها عبارت است از فرو رفتن در آب، از راه نوشیدن یا از طریق دیگری با معجون‌های ممنوع تماس حاصل کردن یا اوردالی‌های گرم، که در آن شخص بایستی شیء خاصی را از منابع جوشان برگیرد، شیء گداخته را لمس کند، لیس بزند یا روی آن راه برود و یا مسافتی خاص آن را حمل کند (بادامچی، ۱۳۸۳: ۲۸۵-۲۸۴).

در ایران باستان این شیوه از طریق توسل به آئین‌های سی و سه گانه که خود به «ورگرم» و «ورسرد» تقسیم می‌شده مرسوم بوده است (طبری، بی تا: ۱۱۰). در اروپای قرون وسطی و به ویژه در عصر فرانک‌ها، اوردالی به عنوان یکی از ادله اثبات بزهکاری یا بی‌گناهی برخی متهمین متداول بوده و متهمی که موفق به ارائه دلیل کافی بر بی‌گناهی خود نمی‌شد، در مواردی ناگزیر از تن دادن به آزمایش آهن تفته، شیره گیاهان سمی و

امثال آن می‌گردید. در مجموعه قوانین مربوط به امر قضا بر هندوان که به «قوانین قضایی مانو» معروف است چنین آمده است: «سوگند راست، کسی راست که آتش او را نسوزاند و آب او را فرو نبرد و در برگرد (روی آب بماند) و آسیبی بدو نرسد» (حجتی کرمانی، پیشین، ۲۲۵). به اعتقاد پژوهشگران اوردالی در حقیقت بیشتر در کسب دلیل خداوند برای صدور حکم مورد نظر است تا کسب خود حکم. وظیفه مقام الهی احقاق حق، توصیف عمل ارتكابی بر آورد مجرمیت و تعیین کیفر نیست، بلکه وقتی دوطرف دعوا اظهارات یکدیگر را بدون دلیل نفی می‌کنند او را شاهد می‌گیرند (گیوم، ترجمه نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۲۵۵-۲۵۴).

در اروپا پس از تحریم دلیل اثباتی اوردالی از سوی شورای عالی کلیسا در لاتران در سال ۱۲۱۵ میلادی دوئل یا پیکار تن به تن عنوان دلیل اثبات جرایم متداول شد. این شیوه که با عرف و عادت خشونت بار دوران فئودالی اروپا سازگار بود در قرن سیزده میلادی عالی‌ترین دلیل اثباتی محسوب می‌شد ولی به علت تعارضی که با عقل سلیم داشت به موجب فرامین ۱۲۵۴ و ۱۲۵۸ سن لوئی، پادشاه فرانسه، غیر قانونی اعلام شد. اگرچه فرمان عدم توسل به دوئل در امور کیفری بی‌اثر ماند، اما در سال ۱۳۰۶ میلادی فیلیپ زیبا ضمن برقراری مجدد دوئل، شرایطی را برای آن تعیین کرد. در هر حال، این شیوه اثبات جرم در طول قرن چهاردهم میلادی دوام یافت و در قرن پانزدهم نیز در اروپا، یک امتیاز اشرافی تلقی می‌شد و علیرغم تحریم مجدد آن از سوی لوئی چهاردهم، تا انقلاب ۱۷۸۹ میلادی فرانسه رایج بود. در این دوران قاعده «الحق لمن غلب» حاکم بوده و کسی که قوی‌تر بوده از دلیل قوی‌تری نیز برخوردار بوده است. اصل بر مجرمیت متهم تعلق داشته و کسی که در مظان اتهام قرار می‌گرفت می‌بایست با اقامه دلیل، بی‌گناهی و پاکی خود را ثابت می‌کرد. فلسفه دلایل در این دوره در واقع بر حمایت از طرف قوی‌تر استوار بوده است؛ زیرا ماهیت دلایل ماوراءالطبیعه به گونه‌ای بوده که کمتر متهمی در آن دوران از مجازات مقرر جان سالم به در برده است (طاهری بجد، ۱۳۸۳: ۳۰۶-۳۰۷).

با ظهور اندیشه‌های آزادی خواهانه و فردگرایانه در قرن ۱۸ و آغاز نهضت روشنفکری و انسان‌گرایی مبتنی بر اصول علمی و عقلی بشری، خواست عمومی بر مخالفت با سیستم خشک و نامعقول گذشته قرار گرفت و افکار عمومی، نویسندگان و فلاسفه شدیداً با اصول و قواعد حقوقی که سیستم دلایل قانونی را ارزش‌گذاری و اعتبار می‌بخشید، به مخالفت برخاست. جنگ جهانی دوم و اشغال اروپا توسط آلمان نازی و دربند کردن میهن پرستان و از جمله حقوقدانان و قضات سبب شد که خاتمه جنگ نسبت به اصل برائت توجه بیشتری مبذول گردد. به ویژه قضات که به علت مقاومت یا عدم همکاری با اشغالگران به بند نیروهای متجاوز گرفتار و از نزدیک

زندانی و محرومیت از حق دفاع آشنا شده بودند به این حقیقت ملموس که علاوه بر بزهکاران واقعی، شهروندان بی گناه نیز ممکن است در مظان اتهامات ناروا قرار گرفته و به سرنوشت تبهکاران دچار شوند پی بردند (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۳۷).

در این راستا و با توجه به حقوق و آزادی های فردی، اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ فرانسه اعلام نمود که: «هر انسانی بی گناه است مگر آن که بزهکاری او ثابت شود» و این اعلام اعلامیه حقوق بشر فرانسه تأکید و تأییدی بر اصل برائت بود. بعدها، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی در بند ۱ ماده ۱۱ اعلام نمود: «هرکس که به بزهکاری متهم شده باشد، بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تامین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردید.» با تاسی از اعلامیه های حقوق بشر، اکثر کشورها در قوانین اساسی خود اصل برائت را صریحاً مورد بیان و تایید قرار دادند و خواستار رعایت این اصل شدند. این اصل در قرن بیستم به دلیل ظهور برخی رژیم های توتالیتر چون آلمان نازی، ایتالیای فاشیست و شوروی کمونیستی و بروز دو جنگ جهانی فراز و نشیب هایی داشت به طوری که در مقاطعی مورد خدشه وارد شد. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ نیز در بند ۲ ماده ۱۴ با تایید مجدد اصل برائت، اعلام نمود: «هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد، حق دارد بی گناه فرض شود تا این که مقصر بودن او طبق قانون محرز شود».

اصل برائت در حالی قرن بیستم را سپری کرده و وارد قرن بیست و یکم شده که دغدغه و مسائل جدید فراروی سیستم های حقوقی قرار گرفته و جوامع بشری گاهی با مسائلی دست به گریبان است که ضروری و لازم به نظر می رسد در مواردی از حاکمیت مطلق اصل برائت خودداری ورزیم و استثنائاتی بر این اصل قائل شویم، به همین خاطر گاه قوانین اساسی، گاه قوانین عادی و گاه اسناد بین المللی حاکمیت مطلق اصل برائت را مورد تردید قرار داده و استثنائاتی بر آن وارد نموده اند که بروز مسائل جدید حقوقی چون پولشویی، ترانزیت مواد مخدر، کسب اموال نامشروع، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی در وارد آوردن استثنائات بر اصل برائت بی تأثیر نبوده اند.

## ۱- مفهوم اصل برائت

برائت از بری می‌آید که در فرهنگ‌های لغت به معنای پاک شدن از عیب و تهمت، خالی، بی‌گناه، بیزار، پاک شدن از چیزی، خلاص شدن از قرض آمده است (عمید، ۱۳۸۳: ۲۵۲ و معین، ۱۳۸۵: ۵۱۷). منظور از اصل برائت یا اصل البرائه (به فتح الف اصالت) این است که در مواردی که در حکمی شک داریم، معتقد شویم که در مقام عمل موظف به آن نیستیم. مثلاً اگر ندانیم که حکم استعمال دخانیات چیست و با بررسی و تحقیق کافی هم دلیلی در این باره به دست نیاوردیم و در حکم واقعی آن مردد بمانیم، برای اینکه در مقام عمل از تردید و دودلی درآییم می‌گوییم «اصل، برائت است». یعنی در این مورد که حکم حرمت ثابت نیست، استعمال دخانیات جائز و مباح است. مثال دیگر اینکه می‌دانیم سرقت جرم است و می‌دانیم سرقتی هم انجام یافته و شخصی را هم به اتهام جرم به دادگاه معرفی می‌کرده‌اند، ولی نمی‌دانیم که او مرتکب جرم شده یا خیر. خودش منکر است و دلائل استنادی نیز مثبت قضیه نیست. در اینجا باید به لحاظ فقد دلیل، حکم برائت صادر کرد. همچنین است هرگاه سرقتی انجام یافته ولی دلیلی بر اثبات متهم جز اقرار او وجود ندارد و بدانیم که اقرار به زور گرفته شده باشد (محمدی، ۱۳۹۲: ۲۹۹).

فقیهان اصل برائت را در حوزه کیفری اعمال کرده‌اند. با وجود این، آنان مقرر کرده‌اند که مقتضای اصل برائت در مورد انسان «برائت جسم وی از قصاص و حدود و تعزیرات است و برائت او از همه گفتارها و کردارها است» (عبدالاسلام، ۱۹۶۸: ۳۲). بنابراین، در نسبت دادن آن به شخص خاصی لازم است احتیاط شود. این احتیاط اینگونه به دست می‌آید که برائت شخص باید مفروض باشد؛ مگر اینکه خلاف آن با دلیل قطعی ثابت شود. به بیان دیگر، اثبات شود که وی مرتکب جرم شده است.

براین اساس، ممکن است بگوییم که این اصل مقرر در نظام قانونی معاصر که «در مورد انسان، اصل بر برائت است» و آنچه که فقیهان مسلمان مقرر کرده‌اند؛ - یعنی اصل بر برائت ذمه متهم است، - با یکدیگر تعارض ندارند و اگرچه قاعده فقهی نسبت به قاعده قانونی قلمرو گسترده‌تری را در بر می‌گیرد، در حوزه کیفری با یکدیگر تلاقی پیدا می‌کنند، به گونه‌ای که مقصود هر دو قاعده آن است که محکومیت متهم باید بر پایه دلیل قطعی اثبات کننده جرم باشد و جرمی که از رهگذر دلیل علیه متهم اثبات شود، از قاعده برائت بیرون است. هنگامی که دعوای کیفری منوط به چنین دلیلی باشد (اصل برائت)، حکم به برائت متهم لازم است و تفاوتی در این زمینه یا در اساس آن میان قضاوت کیفری مبتنی بر احکام اسلامی و قضاوت کیفری بر نظریه‌های

آئین دادرسی نوین وجود ندارد. اختلاف در تعبیر از قاعده و ساختار آن در میان فقیهان مسلمان و حقوقدانان تأثیری در نتیجه ندارد. زیرا، هدف ها و معانی مورد توجه است نه الفاظ و مبانی (عوا، ۱۳۸۵: ۶۱-۵۸).

هرجا که در وجود تکلیفی تردید است یا در حدود آزادی اشخاص شبهه به میان آید، اصل، بر براءت است؛ یعنی اصل این است که تکلیف وجود ندارد و شخص در انجام دادن کار مورد نظر آزاد است. خواه تردید ناشی از مفهوم حکم قانونگذار باشد یا در انطباق آن بر وقایع خارجی (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۴۵). دادگاه اروپایی حقوق بشر اصل براءت را بدین شرح تفسیر می نماید: «اقتضاء اصل براءت آنست که اعضای دادگاه نباید نسبت به یک متهم با این پیش فرض بنگرند که او مرتکب جرم شده است، بار اثبات دلیل بر عهده دادستان است و هر شکی می بایست به نفع متهم منظور شود. هم چنین متهم بایستی از پرونده ای که علیه او تنظیم شده است، آگاه گردد به نحوی که او بتواند دفاعیات خود را تدارک و نیز شهود و ادله کافی در برابر اتهاماتش را ارائه نماید» (شبث، ترجمه میرعباسی و الهوئی نظری، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

کمیتة حقوق بشر نیز اصل براءت را بدین صورت تبیین می نماید که به موجب آن این وظیفه بر عهده مقامات دولتی تحمیل می شود که از پیش داوری درباره نتیجه دادرسی خودداری نمایند. کمیسیون حقوق بشر در این زمینه چنین اظهار نظر می نماید که اصل براءت متضمن این اصل اساسی است که هرکس بایستی پیش از آن که به موجب قانون، طی فرآیند دادرسی عادلانه و در یک دادگاه صالح به جرمی محکوم شود، در برابر رفتار غیرقانونی مقامات دولتی به منظور شکنجه و تحت فشار قرار دادن وی به منظور اخذ اقرار بر علیه خود، مورد حمایت قرار گیرد (همان، ۱۳۸۴: ۱۰۶).

به اعتقاد برخی از حقوقدانان اصل براءت ناظر به قواعد اثبات دعوای کیفری است و منظور از آن این است که قبل از محاکمه و رعایت اصول دادرسی نمی توان با متهم همانند محکوم رفتار کرد. به عبارتی دیگر، اصل براءت فقط ناظر بر ضرورت رعایت «حق دفاع متهم» در طول رسیدگی از سوی مقامات قضایی است و ضرورت تأمین «آزادی متهم» قبل از محاکمه را در بر نمی گیرد و لذا بازداشت متهم در طول تحقیقات مغایرتی با اصل براءت ندارد (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۴۱). اما به اعتقاد برخی دیگر از حقوقدانان قلمرو اجرایی اصل براءت کیفری به هیچ وجه منحصر به مرحله دادرسی و صدور حکم منحصر نیست. به اعتقاد این دسته از حقوقدانان اصل براءت کیفری به معنای استمرار بخشیدن به آثار اصل حفظ کرامت انسان و مصون بودن افراد جامعه از هرگونه تعرض و آثار آن مگر به واسطه وجود یک محکومیت قانونی، قطعی و لازم الاجراء است. به عبارتی دیگر اصل براءت در این مفهوم بدین معنی است که مجموعه اجزاء یک نظام قضایی، اداری و اجتماعی جهت حاکمیت بخشیدن به

اصل مصونیت افراد از هر نوع تعرض تلاشی هماهنگ و سازگار داشته باشند. در چنین فرضی است که روح حاکم بر جهت‌گیری‌ها و عملکردهای واقعی اجزاء یک سیستم اجتماعی و حقوقی، عینیت بخشیدن به فرض بی‌گناهی مظنون یا متهم است؛ مگر آنکه یک حکم قطعی و لازم‌الاجرائی که براساس ضوابط دقیق قانونی علیه فرد صادر شده است جایگزین اصل برائت گردد (شاملو، ۱۳۸۳: ۲۸۰).

بر مبنای اصل برائت، هر انسانی بی‌گناه فرض می‌شود و در صورت ورود اتهام به وی به سبب فرض بی‌گناهی، مدعی می‌بایستی گناه وی را اثبات نماید. به عبارت دیگر، می‌توان گفت اصل برائت یک اصل عقلی می‌باشد که از عدالت حقوقی ناشی می‌شود و چون در بسیاری از دعاوی کیفری، فصل خصومت و احقاق حق جز از طریق عدالت رسمی امکان‌پذیر نیست، این عدالت اقتضاء می‌نماید در مواردی که شخصی در معرض اتهام و تهمت قرار گرفته و متهم می‌شود، بی‌گناهی وی جز در صورت ارائه دلیل قانع‌کننده استمرار یابد. بنابراین تا وقتی که تعقیب‌کننده نتواند ارتکاب فعل مجرمانه و سوءنیت متهم را اثبات نماید، عدم ارتکاب فعل مجرمانه و عدم سوء نیت وی استصحاب می‌گردد (شمس‌ناتری، ۱۳۸۳: ۲۸۷).

به اعتقاد صاحب‌نظران، اصل برائت متضمن این نتیجه است که بار اثبات اتهام بر عهده مقام تعقیب است. یعنی همه امارات قانونی مستقل از ادله، به نفع بی‌گناهی فرد می‌باشند و هر شخصی بی‌گناه فرض می‌شود؛ مگر آن که گناهکاری وی اثبات گردد. در واقع، اگر بعد از اثبات چنین مطلبی یعنی گناهکاری متهم همچنان شک معقول و قابل قبولی دال بر بی‌گناهی متهم باقی بماند، در چنین صورتی متهم استحقاق این را دارد که از مزیت این تردید با بهره‌گیری از اصل برائت استفاده نماید (ام اس‌چپ-ترجمه سماواتی پیروز، ۱۳۸۳: ۴۵-۴۴).

از جمله مهم‌ترین آثار اصل برائت که باعث تضمین مصونیت از تعرض غیرمجاز به حقوق و آزادی‌های افراد می‌گردد پیش‌بینی سیستمی است که در کلیه ابعاد و جنبه‌ها آثار «اصل برائت متهم» را به رسمیت شناخته و عینیت بخشد. آثار اصل برائت کیفری منحصر به مرحله دادرسی و صدور حکم نیست، بلکه تمامی اجزاء یک نظام حقوقی بایستی ملتزم به آثار مختلف آن باشند تا بتوان ادعا نمود که آن نظام حقوقی به «اصل برائت» به طور کامل اعتقاد داشته و به آثار آن ملتزم بوده و حاکمیت بخشیده است. مهم‌ترین آثار اصل برائت که بایستی در اجزای یک سیستم حقوقی متبلور باشد عبارتند از:

- ۱ التزام شاکی یا دادستان به اثبات اتهام و ارائه دلایل؛
  - ۲ منع صدور قرارهای تأمین جز با تصریح قاضی در توجه اتهام و انتساب قرار؛
  - ۳ منع صدور قرار بازداشت جز در موارد استثنایی و لزوم توجیه قضایی آن و کنترل آن توسط مرجع مافوق؛
  - ۴ ضرورت تفسیر مضیق قوانین و توسل به اصل تفسیر شک به نفع متهم (حاکمیت علم یقینی در مجرمیت)؛
  - ۵ منع التزام متهم به اثبات بی گناهی خود؛
  - ۶ اصل صراحت و شفافیت در دادرسی و استثناء در رسیدگی تفتیشی؛
  - ۷ منع توسل به روش های غیرقانونی و مخفیانه جهت تحصیل دلیل؛
  - ۸ الزام دادگاهها به اخذ آخرین دفاع متهم؛
  - ۹ حاکمیت اصل سیستم دلایل قانونی و تشریفات رسیدگی و اعطاء اختیار ارزیابی اعتبار دلایل قانونی مبتنی بر سیستم اقناع وجدان قاضی؛
  - ۱۰ بطلان دادرسی در صورت توسل به شیوه های غیرقانونی جهت تحصیل دلیل؛
  - ۱۱ ممنوعیت اعلام و انتشار اتهام انتسابی به صورت عمومی و در فرض انتشار اتهام، الزام به انتشار دفاعیات آن (شاملو، ۱۳۸۳: ۲۷۹-۲۷۷).
- هدف نهایی پیش بینی اصل برائت، حفظ حقوق متهم و جلوگیری از تضییع حقوق ایشان است:
- ۱ حق تفهیم اتهام در اولین ساعات انتساب اتهام یا بازداشت؛
  - ۲ حق برخورداری از سکوت در ازای اتهامات وارده؛
  - ۳ حق برخورداری از وکیل از اولین ساعات دادرسی در کلیه محاکم؛
  - ۴ عدم نیاز اثبات بی گناهی توسط متهم؛
  - ۵ حق دادرسی به پرونده اتهامی و اطلاع از کلیه دلایل تحصیل شده علیه او؛
  - ۶ حق برخورداری از شرایط، امکانات و فرصت کافی جهت معرفی وکیل؛
  - ۷ حق برخورداری از کلیه حقوق اجتماعی و سیاسی قبل از صدور یک حکم قطعی و لازم الاجرا؛
  - ۸ حق اعتراض به قرارها و احکام صادره قبل از قطعی شدن آنها؛

## ۹ حق ارائه آخرین دفاع در آخرین مرحله دادرسی؛

۱۰ لزوم تفکیک سیستم بازداشتگاه‌های موقت از زندان‌ها و جداسازی متهمین تحت قرارهای بازداشت از محکومیت کیفری حبس.

در واقع، بایستی گفت که امروزه در سیستم دلایل اثبات کیفری نظام‌های حقوقی، اصل برائت از چنان جایگاه مهم و ویژه‌ای برخوردار است که اولاً، آثار حقوقی آن منحصر به مرحله دادرسی و صدور حکم نبوده و در کلیه مراحل دادرسی شامل مرحله تعقیب و انتساب اتهام تا مرحله اجرای حکم و حتی در جنبه‌های اجتماعی نیز واجد آثار قابل استنادی است. ثانیاً امروزه، برخلاف ادوار گذشته این اصل از چنان جایگاهی برخوردار است که هر قرینه و اماره‌ای قدرت تعارض با آن را نخواهد داشت (سرمست بناب، ۱۳۸۷: ۳۴).

## ۲- مبانی اصل برائت

امنیت و آزادی دو گوهر گران‌بهای انسانی و اجتماعی است که در بستر رشد، تکامل و بالندگی افراد اجتماع را فراهم می‌آورد. حفظ و توسعه بیشتر حقوق و آزادی‌های اساسی در گرو رعایت پاره‌ای اصول و قواعد است، یکی از اصولی که نقش به‌سزایی در تضمین شناسایی و رعایت موثر و همگانی حقوق بشر و آزادی‌های فردی دارد، اصل برائت می‌باشد. خطاب عناوینی مانند مجرم، جانی، تبهکار و نظایر آن از یکسو به فردی که مورد تعقیب قرار گرفته، موهن و اهانت‌آور است و از سوی دیگر، اصل احترام به انسان‌ها را متزلزل می‌کند و آشکارا مغایر و مباین با اصل سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و موازین شناخته شده حقوق بشر بوده و به توضیح بیشتر نیاز ندارد (آخوندی، ۱۳۸۱: ۱۵۰-۱۴۸).

از سوی دیگر، انتساب اتهامات بی‌اساس به افراد و برچسب کیفری به دیگری زدن یا اتهام ارتکاب اعمال و رفتار خلاف اخلاق و عفت عمومی چنانچه واقعی نبوده یا متکی بر دلایل و قرائن قابل اثبات نباشد، می‌تواند اعتبار، حیثیت و امنیت روحی، روانی و اجتماعی افراد را متزلزل و مخدوش نماید. پیش‌بینی این اصل در حقیقت به عنوان ضامن آزادی‌ها و حقوق مشروع و قانونی افراد جامعه بشری نقش بسیار مهمی در تأمین حقوق و آزادی‌های فردی، حفظ کرامت و حیثیت افراد جامعه در برابر متعرضان دارد.

اکنون، به بررسی مبانی این اصل می‌پردازیم:

## ۲-۱- قاعده درء

از حیث مبنا در حقوق کیفری اسلام، جایگاه این اصل را بایستی در قاعده معروف «ادرئوا الحدود بالشبهات» جستجو کرد. ترمذی در کتاب سنن که از منابع معتبر حدیثی اهل سنت است به نقل از عایشه از رسول گرامی اسلام (ص) چنین نقل می‌کند: «ادرئوا الحدود عن المسلمین ما استطعتم، فإن وجدتم للمسلم فمرجه فقلوا سبيله، فإن الإمام لأن یخطی فی العفو خیر من أن یخطی فی العقوبه». تا می‌توانید حدود را از مسلمانان دفع کنید (سعی کنید بر کسی حد جاری نشود)؛ پس اگر راه گریزی برای مسلمانان به جهت فرار از حد پیدا کردید، او را رها سازید؛ زیرا اگر حاکم در عفو نمودن خطا کند، بهتر از آن است که بی‌گناهی را مجازات نماید (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۴۴).

از جمله روایات دلالت کننده بر اصل براءت به طور غیرمستقیم می‌توان به روایات دلالت کننده بر عدم اجرای مجازات تازه مسلمان مرتکب شرب خمر، زنا، ربا و مانند آن که مدعی جهل به حکم داشته باشد، اشاره نمود (حرعاملی، ۱۳۶۷: ۳۲۳). عمل پیامبر اسلام (ص) در القای سؤالاتی از قبیل «لعلک قبلت» و «لعلک لمست» و «لعلک غمزت» در برابر اقرار ماعزبن مالک به زنا و نیز القانات علی (ع) خطاب به شراحه همدانیه به هنگام اقرار وی به زنا از قبیل «لعله وقع علیک و انت نائمه»، «لعله استکرهک» که همگی دلالت بر درء حدود به سبب شبهات دارند (همان، ۳۷۹)، در جای خود دلالت بر حاکمیت اصل براءت نیز دارند. همچنین از خلیفه دوم نقل شده که میگفت: «لأن اعطل الحدود؛ شبهات احب الی من أن اقیمها بالشبهات» بدین معنی که تعطیل حدود به هنگام شبهات برای من ارزشمندتر از اجرای حدود به هنگام شبهات است (عوده، بی تا، ۲۰۸).

## ۲-۲- قاعده ترجیح اشتباه در عفو بر اشتباه در کیفر

علاوه بر قاعده «درأ»، قاعده «ترجیح اشتباه در عفو بر اشتباه در کیفر» نیز دلالت روشنی بر جریان اصل براءت در حقوق کیفری اسلام دارد. براساس این قاعده، اشتباه قاضی در عفو متهم بهتر از اشتباه وی در کیفر دادن اوست. معنا و مفاد این قاعده این است که صدور حکم به مجازات متهم تنها در صورتی صحیح است که ارتکاب جرم از ناحیه او ثابت شده و نص تحریم کننده منطبق بر جرم ارتكابی باشد. بنابراین اگر تردیدی در ارتکاب جرم از ناحیه متهم یا در انطباق عنوان مجرمانه بر فعل منتسب به جانی وجود داشته باشد، باید حکم به

برائت شود؛ چون در صورت تردید، برائت متهم برای جامعه بهتر و از جهت اجرای عدالت سزاوارتر است (شمس ناتری، همان، ۲۸۶).

علاوه بر موارد فوق در سیره امام علی (ع) روایاتی به چشم می‌خورد که نشان دهنده حاکمیت مطلق اصل برائت در امور کیفری است. از جمله اینکه آن حضرت می‌فرماید: « ائی لا آخذ علی التهمه و لا اعاقب علی الظن؛ من به خاطر تهمت کسی را مورد بازخواست قرار نمی‌دهم و با گمان و ظن به کسی کیفر نمیدهیم (ثقفی کوفی اصفهانی، ۱۳۵۵: ۱۳۷۱). معنای این کلام اینست که بی‌گناهی همه مردم یک اصل اساسی است و اگر کسی متهم به ارتکاب جرمی شده یا مورد ظن و گمان واقع شده و احتمال داده شود اقدامی علیه قوانین عمومی کرده باشد، به سبب تهمت و گمان مورد مؤاخذه و کیفر قرار نمی‌گیرد؛ بلکه همچنان بی‌گناه شناخته خواهد شد تا آن که بزهکاری وی ثابت شود (شمس ناتری، پیشین: ۲۸۶).

امروزه به دلیل این که حقوق جزا و به ویژه دادرسی کیفری تحت نفوذ کامل حقوق عمومی در آمده است و مقامات تعقیب در امر کیفری اعم از دادستان و غیره به عنوان مدعی العموم در برابر متهم، دارای قدرت زیادی اند که به موجب آن به راحتی امکان استفاده از قوای عمومی و دیگر تضمین های ویژه را دارا می‌باشند و در مقابل، متهم از هیچ یک از این امکانات بهره مند نیست، کفه ترازوی عدالت کیفری به نفع مدعی العموم سنگینی می‌کند و در نتیجه، عدالت حقوقی بیش از پیش لزوم اعمال اصل برائت را در امور کیفری آشکار می‌نماید (خزانی، ۱۳۷۷: ۱۳۹).

## ۲-۳- حفظ نظم عمومی

یکی دیگر از مبانی اصل برائت حفظ نظم عمومی است. از آنجا که تعرض به حقوق فردی و اجتماعی افراد یا محروم ساختن اعضاء جامعه از این حقوق فقط در موارد استثنایی مجاز است که قانونگذار با وسواس شدید پیش بینی کرده است، اصل برائت به معنای تضمین رعایت این حکم استثنایی است.

اصل برائت کیفری در حقیقت به معنی به رسمیت شناختن موقعیت فردی و اجتماعی و رعایت حرمت و امنیت افراد است. چون امنیت روحی، روانی و اجتماعی افراد جامعه که برگرفته از موقعیت‌های فردی و اجتماعی آنها است، سهم عمده ای از مفهوم و مصداق نظم عمومی را تشکیل می‌دهد، اصل برائت کیفری را به عنوان مهم ترین ضمانت اجرای حقوقی و واقعی در حفظ و استمرار این امنیت روحی و روانی پیش بینی شده

است. در واقع، اصل برائت کیفری موجب رعایت شأن و حرمت همه افراد و تأمین امنیت و آسایش روحی- روانی اعضای جامعه خواهد شد (شاملو، پیشین، ۲۶۹).

قدرت حاکمه از تمام امکانات و ابزارهای قدرت و زور است و عدم کنترل آن ممکن است موجب بروز مفسده و سوء استفاده از قدرت گردد. لذا به منظور ایجاد توازن بین موقعیت افراد جامعه ابزارها و امکانات اعمال قدرت حاکمه، اصول حقوقی چون اصل برائت به دفاع افراد و شهروندان جامعه در مقابل حاکمیت و قدرت عمومی ضروری به نظر می‌رسد.

بنابراین، می‌توان یکی دیگر از مبانی اصل برائت را لزوم ایجاد توازن و تعادل بین قدرت حاکمه و موقعیت افراد جامعه دانست. ارتکاب جرم در واقع فرد را در مقابل جامعه و قدرت حاکم قرار می‌دهد، به همین خاطر جامعه نیز مجاز خواهد بود تا با فرد خاطی که نظم عمومی جامعه را مخدوش کرده است به مقابله بپردازد. براساس همین ضرورت قدرت حاکم به نمایندگی از جامعه و نظم عمومی آن از ابزارهای اعمال قدرت چون قوه قضائیه، قوه مجریه و سایر نهادها و سازمان‌های تحت امر خویش برخوردار است؛ در عین حال که بیم آن می‌رود که در موارد بسیار همراه با سوء استفاده از قدرت و موقعیت خویش اعمال نظر نماید. لذا منطق عدالت و انصاف ایجاب می‌نماید که در این تقابل حادث شده بین فرد و قوای عمومی توازن و تعادل برقرار گردد. قدرت و حاکمیت در قبال برخورداری از تمام ابزارهای قوای عمومی بایستی مقید به رعایت اصول کنترل کننده یا هدایت کننده نحوه اعمال قدرت و اختیار باشند. چون بنا به قول کارل یا پسرش کانت «دولت باید به منظور جلوگیری از سوء استفاده از آزادی، قدرت داشته باشد. حکام همواره طالب قدرت و افراد همیشه مشتاق آزادی- اند. قدرت، امر زمامداری را برای ایجاد نظم، تسهیل و آزادی، افراد را از حقوق طبیعی خود برخوردار می‌کند. نظم به تنهایی، میل به استبداد دارد و آزادی، به تنهایی، منجر به هرج و مرج خواهد شد. ریوارول، اندیشمند قرن هجدهم، معتقد بود که موجود انسانی همچون اقیانوس متلاطم و در جذر و مدی است که بین دو ساحل «قدرت و آزادی» در نوسان می‌باشد و در هر رفت و برگشت از یک طرف دور و به طرف دیگر نزدیک می‌شود، کمال مطلوب در ایجاد تعادل بین نظم و آزادی است؛ لذا وجود اصولی برای کنترل قدرت نامحدود دولت لازم و ضروری است که یکی از این اصول برای کنترل قدرت نامحدود دولت و صیانت از حقوق و آزادی‌های شهروندان در برابر قدرت هیأت حاکمه، اصل برائت می‌باشد.

## ۲-۴- اصل اباحه

مراد و مفاد اصل اباحه آن است که هرگاه نسبت به حرمت و حلیت چیزی تردید وجود داشته باشد، چنانچه با بررسی، دلیلی بر حرمت آن یافت نشد حکم به حلیت آن داده می شود (محقق داماد، پیشین: ۲۴). در واقع، براساس این اصل هرگاه در منع یا جواز چیزی یا عملی شک نماییم اصل بر صحت و جواز آن است و براساس آن، انسان حق هرگونه دخل و تصرفی در دنیای خارج را دارد؛ مگر آن که دلیلی بر منع آن وارد شده باشد. به اعتقاد برخی از فقها مردم در همه اشیاء آزادند مگر آن که در مورد آنها نهی وارد شود (حرعاملی، بی تا: ۱۲۸-۱۲۷). به اعتقاد یکی از فقها: «فأما بعد استقرار الشرایع فالحکم ان کل شیء لانص فی خطرہ فانه علی الاطلاق لان الشرایع تثبیت الحدود و میرت المحظور علی خطرہ فوجب أن یکون ما عداہ بخلاف حکمه.» (شیخ مفید، بی تا: ۱۴۳). یعنی پس از استقرار شرایع، حکم آن است که هر چه در آن نصی در منع نباشد، آزاد و مطلق است؛ چون شرایع حدود را تعیین و امور ممنوعه را مشخص کرده است. بنابراین بایستی مابقی آن امور ممنوع نباشند. با توجه به اینکه اصل برائت کیفری نیز بیان می دارد که اصل بر این است که هیچ کس مظنون، متهم و مجرم نیست؛ مگر به اتکاء دلایل و قرائن قابل استناد. بنابراین رفتار، گفتار و پندار افراد مصون از هرگونه تعرض است؛ مگر در مواردی که قانون تصریح کرده باشد. به عبارتی دیگر به حکم عقل و به استناد اصل اباحه، هیچ عملی ممنوع و قابل تعقیب نیست. افراد مجاز هستند کلیه افعالی را که اراده سر انجام بدهند؛ مگر آن که به واسطه حکم صریح قانونی از انجام آن منع شده باشند.

## ۲-۵- اصل عدم

مطابق این اصل در محیط زندگی ما هر موجودی مسبوق به عدم است. بنابراین اگر در اصل وجود یا در تاریخ وجود چیزی تردید داشته باشیم، بنا را بر عدم آن می گذاریم تا خلاف آن ثابت شود و این را استصحاب عدم می نامند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۵۱). بر اساس اصل عدم، فرض بر عدم هر چیزی است؛ مگر آن که وجودش اثبات گردد. یعنی امور عدمی قابل اثبات نیستند؛ بلکه وجود اشیاء و امور باید اثبات گردد. بنابراین اصل بر عدم ارتکاب اعمال مجرمانه است؛ مگر آن که وقوع عملی ممنوع و مجرمانه ثابت گردد. این اصل از نظر مفهوم و معنا ارتباط بسیار نزدیکی با اصل برائت دارد، به همین جهت یکی از مبانی اصل برائت تلقی می گردد. در اصل برائت گفته می شود که اصل بر مصونیت افراد از هرگونه تعرض است؛ مگر آن که قانون آن را مجاز دانسته باشد.

نتیجه این که به کمک اصل عدم و با استناد به اصل برائت، ارتکاب اعمال مادی مجرمانه، وجود سوء نیت و انتساب آنها به افراد بایستی با انجام تشریفات قانونی و به طریقی یقین آور ثابت گردد و آلا اصل برائت و اصل عدم حاکمیت دارد.

از آنجا که در هر جامعه‌ای حکومت و دولتی وجود دارد و هیچ چاره ای از قدرت و سلطه آن نیست، بایستی به دور موجودیت و شخصیت فرد حصار کشید تا قدرت زیاده خواه و سلطه جوی حاکمیت نتواند به طور نامشروع و غیرقانونی تمامیت روانی و جسمانی فرد را مورد تعرض قرار دهد (رحیم زاده، ۱۳۸۴: ۵۹). در واقع بایستی یکی از مبانی شناسایی اصل برائت را محدود نمودن ماهیت توسعه طلب و احیاناً زیاده خواه قدرت دانست که اگر بی مهابا و بدون حد و مرز رها شود، ممکن است فرد را فدای مصلحت و امیال قدرت سیاسی می‌نمایند. به مانند حکومت‌های توتالیتری چون آلمان تحت سردمداری «آدولف هیتلر نازی» و ایتالیا به زمامداری «بنیتو موسولینی فاشیست» با نادیده گرفتن چنین اصلی به طور فرا قانونی و نامشروع حیات معنوی و جسمانی افراد را مورد خدشه و تعرض قرار دادند. در واقع با احترام به اصل برائت است که حقوق و آزادی‌های فردی محفوظ می‌ماند و افراد بشر در مقابل مصادر قدرت مورد حمایت قرار می‌گیرند.

بنابراین، با نگاهی به مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که اصل برائت یکی از اصول مهم در دادرسی - های کیفری و نیز یکی از اصول حاکم بر حقوق کیفری است. تأمین امنیت روانی و جسمی افراد جامعه، کنترل قدرت نامحدود حکومت و امکان پیشرفت و رفاه جامعه ایجاب می‌نماید که چنین اصلی مورد شناسایی قرار گیرد و به عنوان یک اصل در دادرسی های کیفری مورد استناد قرار گیرد. در واقع با شناسایی چنین اصلی است که می‌توان به حفظ حقوق و آزادی‌های مشروع فردی در برابر مأمورین و مقامات حکومتی امید بست. چرا که در صورتی که چنین اصلی مورد شناسایی واقع نشود، هر لحظه ممکن است مأمورین حکومتی به دلایل واهی افراد را مورد بازداشت، محاکمه و محکومیت قرار دهند و به یک جو و محیط امنیتی و پلیسی در جامعه دامن بزنند. ناگفته پیداست که در چنین جامعه ای به خاطر عدم امنیت از یکسو و احساس دلهره و اضطراب از سوی دیگر، نه تنها پیشرفتی حاصل نخواهد شد، بلکه روز به روز پسرفت کرده و بحران‌های مختلفی چون بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گریبانگیر آن خواهد شد.

### ۳- منابع داخلی اصل برائت

#### ۳-۱- قانون اساسی

در هر جامعه‌ای، قانون اساسی آن جامعه به عنوان میثاق ملی قلمداد می‌شود و تمام قوانین و احکام بایستی در حیطه آن تصویب یا صادر شوند. در واقع، بسیاری از اصول قانون اساسی خط مشی سیاست کیفری و چارچوب حقوق کیفری و نیز حقوق بنیادین شهروندان را تعیین و مشخص نموده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سی و هفتم، اصل برائت را پذیرفته است: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

هم چنین اصول ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶ و ۳۸ قانون اساسی نیز بیانگر پذیرش آثار اصل برائت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌روند و قانونگذار عادی و دادگاهها مکلف به رعایت آن هستند. در واقع بایستی قانون اساسی را مهم ترین منبع داخلی اصل برائت دانست.

#### ۳-۲- قوانین کیفری شکلی

قوانین شکلی هم چنان که از اسمشان پیدا است، به شکل عمل می‌پردازند. آیین دادرسی کیفری به معنی نحوه رسیدگی به اتهام که براساس قانون مجازات تعریف و تعیین می‌شود جزء قوانین شکلی تلقی می‌شود (رحمدل، ۱۳۹۳: ۲۶).

اگر چه در قانون آیین دادرسی کیفری، به صراحت اصل برائت مورد اشاره قرار نگرفته است؛ ولی به کرات آثار این اصل مورد بیان قرار گرفته اند. به عنوان نمونه براساس ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، «هرگاه قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه را به دادستان گزارش دهند». همچنین قسمت آخر ماده ۴۶ این قانون، بیان می‌دارد: «..... در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند». ماده ۲۳۹ «قرار بازداشت موقت باید مستدل و موجه بوده و مستند قانونی و دلایل آن و حق اعتراض متهم در متن قرار ذکر شود». به نظر می‌رسد که تأکید قانون‌گذار بر «عدم نگهداری متهم در بازداشت بدون دلیل موجه و برای مدت بیش از ۲۴ ساعت» و نیز ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی ایران (صالاحی

۱۳۸۱/۱۰/۱۱) که مقرر داشته، چنانچه: «هر یک از مقامات و مامورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد» موید منطبق حقوقی اصل مذکور می باشد.

در قوانین خاص کیفری شکلی نیز گاهی اصل برائت به طور مستقیم یا غیر مستقیم مورد توجه قرار گرفته است، از جمله این قوانین که اصل برائت را مورد توجه قرار داده است می توان به «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی»<sup>۱</sup> مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ اشاره نمود. قانون مزبور، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی و همچنین دادسراها و طباطبانی قوه قضائیه را مکلف به رعایت بندهای ماده واحده نموده است و متخلفین را مشمول مجازات در قوانین کیفری ماهوی دانسته است. این ماده واحده در بند ۲ به طور صریح اصل برائت را مورد بیان قرار داده و اعلام می‌نماید: «۲- محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده، اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد». همچنین بند ۵ ماده واحده مزبور اصل منع دستگیری و بازداشت افراد را به عنوان یکی از نمودهای بارز اصل برائت مورد شناسایی قرار داده و اعلام می‌نماید: «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است». همچنین در بند ۹ اعلام شده است: «هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین صورت حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت». همچنین بند ۱۱ ماده واحده مزبور بیان می‌دارد: «پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد از کنجکاو در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد». در سایر بندهای ماده واحده مزبور نیز از جمله بندهای ۱، ۳، ۴، ۷، ۸، ۱۰، ۱۳ و ۱۴ نیز آثار اصل برائت به طور غیر مستقیم مورد شناسایی و بیان واقع شده است.

---

۱ قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ پانزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۳،۲،۱۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

### ۳-۳- قانون کیفری ماهوی

یکی دیگر از منابع داخلی مورد استفاده در مورد اصل برائت، قوانین کیفری ماهوی هستند. قوانین کیفری ماهوی، به جرم‌انگاری عمل یا تبیین عوامل زایل‌کننده عنصر قانونی یا موانع مسئولیت کیفری یا عوامل موثر در میزان مجازات می‌پردازد. البته، باید توجه داشت که آنچه که بیشتر تعیین‌کننده است مفاد حکم مقرر توسط قانونگذار است و صرف تسمیه‌ی قانون به قانون شکلی یا ماهوی از طرف قانونگذار کفایت نمی‌کند (رحمدل، پیشین، ۲۶).

البته توجه به این نکته نیز ضروری است که فایده تشخیص قانون شکلی از قانون ماهوی در نوع تفسیر قابل اعمال در دو نوع مزبور است. در قوانین ماهوی نوعاً از سه نوع تفسیر سخن گفته می‌شود. در درجه اول تفسیر به منظور احراز نظر مقنن قرار دارد که بر تمام انواع تفاسیر دیگر اولویت دارد و چون قاضی مکلف به اجرای نظر قانونگذار است، ولو آنکه به ضرر متهم باشد. چون، آنچه که اهمیت دارد منظور قانونگذار است. دوم، تفسیر مضیق است که به معنی برداشت صحیح از قانون و دریافتن معنی صحیح قانون کیفری است. سوم، تفسیر به نفع متهم (آزمایش، ۱۳۸۵-۱۳۸۴: ۳۲). با این وصف، در قانون مجازات اسلامی موادی را می‌یابیم که حکایت از پذیرش اصل برائت می‌نماید و در مواقع لزوم قابل استناد هستند. از مواد ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی می‌توان به عنوان ضمانت‌اجراه‌های اصل برائت نام برد.

### ۳-۴- منابع فقهی اصل برائت

در علم اصول فقه اسلامی، به منظور تعیین وضعیت افراد متهم، تا زمانی که شک و تردید نسبت به مجرمیت این افراد وجود داشته باشد به یکی از اصول عملیه به نام «اصل برائت» متوسل می‌شوند. بنابراین، برائت، عبارت از نبودن تکلیف در صورتی است که در وجود حکمی تردید بشود.

به عبارت بهتر در هر امری که با توجه به آن شخص، مستلزم نوعی زحمت یا زیان یا سلب آزادی و یا ایجاد ایجاد مضیقه باشد، در صورتی که توجه آن به شخص محل تردید باشد، باید آن شخص را از آن زحمت مبری نمود، زیرا تحمل زحمت به اشخاص، بدون دلیل قاطع روا نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۴۹). ولی چه منابع فقهی را جزو منابع ارشادی حقوق کیفری بدانیم و چه جزء منابع اصلی و الزامی بدانیم، جایگاه آن را به عنوان یکی از منابع مهم اصل برائت نمی‌توان نادیده گرفت. این اصل را در آیات متعدد

قرآن کریم از جمله آیه ۱۵ سوره نساء «ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا، ما تا پیامبری را نفرستیم، عذاب نمی‌کنیم»، اخبار و روایات از جمله: «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی، یعنی همه چیز آزاد است تا اینکه درباره آن نهی برسد، اجماع «اجماع زمانی به عنوان دلیلی مستقل ارزش دارد که مدرک آن معلوم نباشد، چرا که با وجود آیات و روایات مدرک فتاوا معلوم است» و عقل، که از آن به عنوان مهم ترین دلیل حجیت اصل برائت، تحت عنوان قاعده عقلی «قبح عقاب بلا بیان» نام برده شده است.

#### ۴- منابع بین المللی اصل برائت

معاهدات حقوق بشری و در مفهوم خاص اسناد بین المللی اصل برائت، ریشه ای عمیق تر از صرف توافق دو یا چند کشور دارند. این معاهدات نمایانگر اراده کشورها نیستند بلکه منعکس کننده خواست جامعه انسانی برای برخورداری از حداقل تضمین‌های حمایتی در برابر نقض حقوق بشرند.

موضوع این معاهدات بر خلاف معاهدات متعارف بین المللی، مبادله منافع میان کشورهای عضو نیست، به عبارت دیگر این معاهدات، ماهیت داد و ستدی ندارند و به علاوه به منظور تنظیم روابط کشورها با یکدیگر منعقد نمی‌شوند. معاهدات حقوق بشری، حقوق بنیادین فرد را بدون توجه به تابعیت او، هم در برابر کشور متبوع خود و هم در برابر دیگر کشورها مورد حمایت قرار می‌دهند و بدین ترتیب در این معاهدات موضوع حقوق بین الملل از کشور به فرد گسترش می‌یابد (تفاوت میان معاهدات حقوق بشری با سایر معاهدات بین المللی، ۱۳۸۲: ۵۰-۴۴).

#### ۴-۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱</sup>

اعلامیه جهانی حقوق بشر را بایستی نخستین سند جهانی در مورد حقوق بشر دانست. این اعلامیه در بند ۱ ماده ۱۱ بطور صریح و روشن اصل برائت را به عنوان یکی از حقوق بنیادین فرد انسانی دانسته و اعلام می‌دارد: هرکس متهم به ارتکاب جرمی باشد، تا وقتی تقصیر او طی محاکمه علنی که در آن هرگونه تضمین ضروری برای دفاع تامین شده باشد قانونا به ثبوت نرسد، بی گناه محسوب می‌شود.».

1 universal Declaration of human rights Adopted 10 December 1948

اعلامیه در مواد دیگر خود نیز بسیاری از مصادیق و آثار اصل برائت را مورد توجه و بیان قرار داده است، از جمله در مواد ۵ (ممنوعیت شکنجه)، ماده ۷ (یکسان بودن در برابر قانون)، ماده ۸ (دسترسی به محاکم عمومی به منظور استیفای حق)، ماده ۹ (منع بازداشت و تبعید خودسرانه)، ماده ۱۰ (دسترسی به دادگاه مستقل و عادلانه)، در اعلامیه مورد شناسایی واقع شده‌اند. این اعلامیه هم‌چنین، در ماده ۳۰ آن اعلام می‌دارد: «هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر را نمی‌توان به گونه‌ای تفسیر کرد که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتواند هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را از بین ببرد و یا در آن راه فعالیت بنماید».

فدریکو مایور، مدیر کل یونسکو در مقدمه‌ای بر کتاب «گلن جانسون» چنین می‌گوید: «تاکید مداوم بر حیثیت و کرامت انسان باید همواره حاضر و زنده باشد، الزامات اخلاقی و سیاسی به تناسب دگرگونی‌های دنیا تحول می‌یابند به همین سبب امر حقوق بشر در عین حال نوعی آرمان و راهبرد است. نه فقط باید همواره از این حقوق در برابر انواع تجاوزها دفاع کرد و در رویارویی با خطرهایی که در کمین آنها است، به تحکیم شان پرداخت، بلکه همیشه باید به این حقوق عمق و گسترش بخشید تا چشم اندازهای پیوسته گسترده تری به روی آزادی و اخلاق فردی گشوده شود و پایه‌هایی همواره استوارتری برای عدالت، تفاهم و همبستگی بین‌المللی ایجاد کرد» (گودرزی و الوندی، ۱۳۸۲، ۳۹-۳۸).

اعلامیه مزبور را می‌توان به عنوان نخستین منشور جهانی درباره حقوق بشر ذکر کرد که در آن اصل برائت نیز به طور صریح به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر مورد شناسایی قرار گرفته و دولت‌های عضو سازمان ملل متحد مکلف به رعایت آن هستند و این اعلامیه می‌تواند به عنوان یک منبع مهم در مورد اصل برائت مورد استفاده واقع گردد.

#### ۴-۲- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی<sup>۱</sup>

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یکی دیگر از اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله حقوق مدنی و سیاسی به شمار می‌رود که مصادیق حقوق بشر را به طور صریح مورد اشاره قرار داده است. این میثاق، در مواد

2 International covenant on civil and political rights

مختلف خود اصل براءت و مصادیق آن را مورد شناسایی قرار داده و دولت های عضو را موظف و ملزم به رعایت آن نموده است.

میثاق مزبور در بند ۲ ماده ۱۴ به طور صریح و روشن اصل براءت را به عنوان یکی از حقوق مدنی و سیاسی افراد جامعه به رسمیت شناخته و اعلام می دارد: « هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی گناه فرض شود تا اینکه تقصیر او بر طبق قانون اثبات گردد».

بر اساس ماده ۲۰ این میثاق «۱- دولت های طرف این میثاق متعهد می شوند که حقوق شناخته شده در این پیمان نامه را درباره کلیه افراد موجود در قلمرو و نحت صلاحیت خود، بدون هیچ گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصلیت ملی یا اجتماعی، دارایی- نسب یا هر وضعیت دیگر، محترم شمرده و تضمین نمایند؛

۲- هر دولت طرف پیمان نامه حاضر متعهد می شود که بر طبق اصول قانون اساسی خود و مقررات این پیمان کلیه اقدامات مقتضی جهت اتخاذ تدابیر قانونگذاری و یا سایر اقداماتی که برای تحقق حقوق شناخته شده در این پیمان نامه، که قبلاً به موجب قوانین و دیگر تدابیر موجود مقرر نشده اند، به عمل آورد؛

۳- هر دولت طرف این پیمان نامه متعهد می شود که:

الف) تضمین کند شخصی که حقوق و آزادی های شناخته شده اش در این پیمان نامه نقض شده است، امکان دادخواهی موثر داشته باشد. هرچند که نقض حقوق به وسیله اشخاصی ارتکاب شده باشد که در مقام رسمی خود مبادرت به این عمل کرده باشند.

ب) تضمین کند که مقامات ذیصلاح قضایی، اجرایی یا تقنینی یا هر مقام دیگری که به موجب نظام قانونی آن کشور صلاحیت دارد، جبران خسارت شخص درخواست کننده را پیگیری نمایند و همچنین امکانات دادخواهی قضائی را توسعه بدهد».

همانطور که از ماده ۲ میثاق مستناد می شود، رعایت مفاد این میثاق برای دول طرف این میثاق الزام آور و لازم الاتباع بوده و دول عضو مکلف به رعایت آن هستند و یکی از حقوق و اصولی که در این میثاق مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته، اصل براءت و بی گناه فرض شدن افراد، قبل از اثبات جرم در دادگاه صالحه می باشد.

### ۴-۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

از آنجا که اساسنامه اقدام به تأسیس یک نهاد دائمی بین‌المللی کیفری می‌نماید و این نهاد دارای قدرت اعمال صلاحیت برای ارتکاب جرائم خطیر مورد اهتمام بین‌المللی می‌باشد، شناسایی حقوق متهم در آن در خور شایان و توجه است؛ چرا که افراد محاکمه شده توسط این دیوان، کسانی هستند که متهم به خطرناک‌ترین جرایم علیه بشریت هستند و معمولاً در مورد آنها شدت بیشتری صورت می‌گیرد و کمتر با اغماض و تخفیف برخورد می‌گردند؛ ولی نگاهی به مفاد مواد اساسنامه نشان می‌دهد که اساسنامه در برخورد با این نوع متهمان نیز اصول مهم حقوق کیفری از جمله حقوق متهم و تفسیر به نفع او و رعایت اصول یک محاکمه و دادرسی عادلانه را به رسمیت شناخته است، که از این منظر می‌تواند مورد توجه محاکم کیفری ملی واقع شود.

ماده ۶۶ اساسنامه اصل برائت را به طور صریح به رسمیت شناخته است که به موجب آن بار اثبات مجرمیت و رأی یک شک معقول و بر عهده دادستان است و این یک قاعده کلی تمام است که در اغلب دعاوی اعمال می‌گردد، یعنی این که بار اثبات دلیل بر عهده شاکی است. بر اساس ماده ۶۶ اساسنامه:

۱- اصل بر بی‌گناهی اشخاص است مگر آن که طبق حقوق قابل اجرا، خلاف آن در دیوان ثابت شود.

۲- اثبات مجرمیت بر عهده دادستان است.

۳- در صورتی دیوان می‌تواند رأی به محکومیت شخص بدهد که بدون هیچ شبهه‌ای مجرمیت وی را قبلاً احراز کرده باشد.

در اساسنامه چند قاعده که منعکس‌کننده اصل برائت است، گنجانیده شده که می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: متهم در جریان تحقیق حق دارد سکوت اختیار کند بدون آنکه این سکوت دلالت بر مجرمیت یا بی‌گناهی وی داشته باشد<sup>۱</sup>، متهم حق برخورداری از آزادی موقت را دارد<sup>۲</sup> و نیز این که دلایل تجدید نظر خواهی برای دفاع در مقایسه با تعقیب از دامنه گسترده تری برخوردار است<sup>۳</sup>.

هم چنین در ماده ۶۷ اساسنامه نیز برخی دیگر از مصادیق و آثار اصل برائت مورد شناسایی و رسمیت قرار گرفته و دیوان ملزم به رعایت آنها در برخورد با متهمین شده است. از جمله تضمین‌های مقرر در ماده ۶۷ برای متهم عبارتند از: حق آگاه شدن از جزئیات، ماهیت، انگیزه و مفاد اتهام وارده، داشتن زمان و تسهیلات

۱. ماده ۵۵، بند ۲ اساسنامه رم.

۲. رک: مواد (۶) - (۳) ۵۹ - (۴) - (۲) ۶۰ اساسنامه رم.

۳. ماده (۱) ۸۱ اساسنامه رم

کافی برای تهیه دفاعیات خود، گفتگوی آزادانه با وکیل انتخابی خود، محاکمه بدون تأخیر ناموجه، حضور در محکمه، بازجویی از شهود و بهره مندی از خدمات مترجم در صورت ضرورت. به هر حال اصل براءت را می‌توان یکی از اصول دادرسی عادلانه دانست که توسط اساسنامه دیوان به نحو احسن مورد رسمیت قرار گرفته است و از این منظر، اساسنامه دیوان را می‌توان به عنوان یک سند جهانی در ارتباط با اصل براءت دانست.

#### ۴-۴- اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین

هرچند در این سند بین المللی حقوق بشری، هم چون بعضی اسناد حقوق بشری به اصل براءت اشاره‌ای نشده است و به عبارتی دیگر فرازهای این اعلامیه، اصل براءت را تعریف و قرائت نکرده است لکن به نظر می‌رسد، این اعلامیه که از اسم آن کاملاً هویدا است، یک سند فراملی حقوق بشری است و کشورهای متعهد و عضو را پایبند به احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه و احترام به اصل حقوق مساوی افراد، ارج نهادن به کرامت انسانی و ارزش بشر، عدالت، تساوی، حاکمیت قانون، صلح، دموکراسی، مبارزه با تبعیض نژادی، جنسی، زبان و مذهب نموده است.

بدیهی است که تمامی ارزش‌های فوق از آثار لاینکف اصل براءت می‌باشد. با این وصف به نظر می‌رسد که این سند را هم بایستی جزو اسناد بین المللی راجع به اصل براءت محسوب نمود. بندهای متعددی از این سند به صورت ضمنی اصل براءت را مورد توجه ویژه‌ای قرار داده است. از جمله در بندهای ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ قسمت اول اعلامیه و بندهای ۱ مکرر ۷، ۸، ۱۸ و ۱۹ مکرر و ۲۰ آثار اصل براءت و احترام به حقوق فردی انسان‌ها مورد اشاره قرار گرفته است.

در این اعلامیه از کشورها خواسته شده است کنوانسیون‌های بین المللی مربوط به حقوق بشر را بدون قید و شرط بپذیرند (بند ۲۶) هم‌چنین از دولت‌ها درخواست شده مقررات حقوق بشر مندرج در اسناد بین المللی را وارد قوانین داخلی خود نمایند (بند ۸۳ بخش دوم اعلامیه).

## بحث و نتیجه گیری

اساساً کار کردن در ترویج و تعلیم اصل برائت به عنوان یک قاعده حقوقی- اجتماعی غیرقابل عدول، مستلزم بسترسازی زمینه‌های روانی و روحی در افراد اجتماع است. بهداشت روانی و افکار مردمان چنان باید از طریق این اصل تقویت و توسعه یابد که زیربنای آن در رفتار و اعمال مردم با یکدیگر و مقامات دولتی (در مفهوم عام) با افراد جامعه تجلی گردد. نظام‌های سیاست جنائی که براساس جریان ایدئولوژیک حاکم بر آن‌ها بر آزادی، برابری یا قدرت دور می‌زند به سه جریان لیبرال، مساوات طلب و جریان اقتدارگری فراگیر (توتالیتار) تقسیم نموده اند که هریک از این نظام‌های مذکور نسبت به اصل برائت موضع خاص داشته و جایگان اصل برائت در هر یک از آن‌ها با توجه به ایدئولوژی حاکم بر آن متفاوت از دیگری است.

احترام به اصل برائت در مرحله کشف جرم ایجاب می کند که توقیف، بازرسی و کنترل هویت اشخاص نباید خودسرانه بوده و باید تابع تشریفات خاص گردد به گونه‌ای که در اعلامیه های بین المللی و اسناد منطقه ای حقوق بشر مواردی را که نگام کشف جرم بایستی مدنظر قرار داد مورد شناسایی قرار داده است. اقتضاء اصل برائت در مرحله تعقیب مستلزم خودداری از معرفی شخص تحت تعقیب به عنوان مجرم تا اثبات اتهام او در یک دادگاه صالح طبق یک دادرسی عادلانه است و بسیاری از حقوق و امتیازات نیز برای متهم در هنگام تعقیب بایستی به رسمیت شناخته شود. همچون سایر مراحل روند یک پرونده، اصل برائت در مرحله دادرسی هم نیازمند احترام و تضمین حقوق متهم است آنچه که تمامی اسناد بین المللی در این مرحله متفق القول هستند رسیدگی به دعوای افراد به وسیله دادگاه مستقل، بی طرف، صالح و علتی می باشند و به عبارتی حق دادرسی عادلانه را به عنوان یکی از آثار مهم اصل برائت مورد شناسایی قرار داده اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز برخی از آثار اصل برائت در مرحله دادرسی از جمله حق محاکمه در یک دادگاه، حق برخورداری از وکیل و نیز معاضدت قضائی در صورت عدم امکان و توانایی انتخاب وکیل، حق دادخواهی، منع اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند در قانون اساسی مورد شناسایی قرار داده است. دامنه‌ی رعایت حقوق متهم و تضمینات حمایت فردی به حدی توسط اصل برائت پوشش می یابد که شمول آن به مرحله صدور حکم و مجازات نیز تسری می یابد لذا اصل برائت اقتضاء می نماید که در موقع صدور حکم یکسری مواردی مورد رعایت قرار گیرد، از جمله اینکه حکم صادره قطعی نباشد و متهم حق اعتراض و پژوهش خواهی نسبت به حکم صادره را

داشته باشد و همچنین بعد از صدور حکم قطعی متهم به خاطر آن اتهام دوباره محاکمه نشود و همچنین محکمه نبایستی مجازاتی را که در موقع ارتکاب عمل طبق قانون مقرر نبوده است برای متهم در نظر بگیرد. در اسناد جهانی و قوانین داخلی گاهی نیز به دلیل برخی مصالح مهم از اصل برائت عدول گشته است که از جمله این موارد می‌توان به جرائم جنگی، جرائم تروریستی و امنیتی اشاره نمود که برای حفظ حقوق شهروندان و حاکمیت عدالت و انصاف در مراحل مختلف دادرسی لازم است که جز در موارد وجود اماره اطمینان بخش و در جهت تامین مصالح واقعی جامعه و اعمال عدالت حقوقی، از اعمال اصل برائت عدول نگردد و حتی در موارد عدول از اعمال اصل برائت و تقدم اماره مجرمیت نیز لازم است امکانات مناسب برای متهم جهت دفاع از خود فراهم گردد. اما صرف نظر از این شناسایی در اسناد بین المللی و حقوق داخلی، اولاً رویه قضایی همگام با سیاست تقنینی مزبور نیست و از تئوری تا عمل در نهادینه نمودن اصل برادت و آثار آن در دادرسی‌های کیفری فاصله زیادی وجود دارد، ثانیاً در قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران مواردی دیده می‌شود که نشان دهنده بی‌توجهی یا عدم اعتقاد مقنن به این اصل مهم می‌باشد. فلذا مقنن ایرانی، نخست می‌بایست گام‌های عمده و اساسی در راستای اصلاح این قوانین بردارد و ثانیاً رویه قضایی فعال تر و قانونمندتر از گذشته به قوانین مرتبط با اصل برائت و آثار آن پایبند باشد و این مقررات را در راستای حقوق متهم به کار گیرد.

هم چنین، با توجه به اینکه یکی از آثار اصل برائت، عدم الزام افراد به اقرار علیه خود و عدم الزام آنان به پاسخگویی به سوالات مطروحه علیه خود است (حق سکوت)، قانون اساسی در اصل ۳۸ خود به این مهم توجه نموده و مقرر داشته است: «هرگونه شکنجه برای اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود و در قانون مجازات اسلامی برای متخلفان از این اصل، مجازات تعیین گردیده است.

## منابع و مأخذ

### الف) منابع فارسی

۱. ام اسچب، جان و ام اسچب دوم، جان ۱۳۸۲، حقوق جزای آمریکا، ترجمه امیر سماواتی پیروز، تهران: انتشارات نگاه بینه، چاپ اول.
۲. آخوندی، محمود ۱۳۸۱، آیین دادرسی کیفری، جلد چهارم: اندیشه‌ها، قم: انتشارات اشراق دانشگاه قم، چاپ دوم.
۳. آشوری، محمد ۱۳۷۶، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر ۱۳۷۸، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم.
۵. حجتی کرمانی، علی ۱۳۶۹، سیر قضاوت در ادوار مختلف تاریخ، تهران: انتشارات مشعل، چاپ سوم.
۶. خزانی، منوچهر ۱۳۷۷، فرآیند کیفری (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
۷. رحمدل، منصور ۱۳۹۳، آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات گنج دانش، جلد اول، چاپ اول.
۸. سرمست بناب، باقر ۱۳۷۸، اصل برائت در حقوق کیفری، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.
۹. شاملو، باقر ۱۳۸۳، اصل برائت کیفری در نظام های نوین دادرسی، انتشارات سمت، چاپ اول.
۱۰. شبث، ویلیام ۱۳۸۴، مقدمه ای بر دیوان کیفری بین المللی، ترجمه سید باقر میرعباسی و حمید الهویی نظری، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.
۱۱. شمس ناتری، محمد ابراهیم ۱۳۸۳، اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
۱۲. طاهری بجده، محمد علی ۱۳۸۳، تعیین رژیم دلایل کیفری در نظام قضایی، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
۱۳. طبری، احسان بی‌تا، برخی بررسی ها درباره جهان بینی ها و جنبش های اجتماعی ایران، بی جا، بی نا.
۱۴. عمید، حسن ۱۳۸۳، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سی و سوم.

۱۵. قاری سید فاطمی، سید محمد ۱۳۸۲، «تفاوت میان معاهدات حقوق بشری با سایر معاهدات بین المللی»، نشریه حقوقی بین المللی، شماره بیست و هشتم، صص ۴۴-۵. تهران: نهاد ریاست جمهوری.
۱۶. قاضی، سید ابوالفضل ۱۳۹۰، بایسته های حقوق اساسی، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ چهلیم.
۱۷. کاتوزیان، ناصر ۱۳۷۷، فلسفه حقوق، جلد اول (تعریف و ماهیت حقوق)، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
۱۸. گودرزی بروجردی، محمدرضا و الوندی، مظفر ۱۳۸۲، حقوق بشر در نظام کیفری و زندان‌ها، تهران: انتشارات راه تربیت، چاپ اول.
۱۹. محقق داماد، سید مصطفی ۱۳۷۹، قواعد فقه (بخش جزایی)، تهران: نشر علوم انسانی، چاپ اول.
۲۰. محمدی، ابوالحسن ۱۳۹۲، مبانی استنباط حقوق اسلامی اصول فقه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجاه و دوم.
۲۱. مصطفی زاده، فهیم و مظاهری، مسعود ۱۳۸۵، حقوق جزای عمومی (۱)، تهران: میزان، چاپ اول.
۲۲. معین، محمد ۱۳۸۵، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد اول، چاپ یازدهم.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین ۱۳۸۳، تاریخ حقوق کیفری بین النهرین، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
۲۴. هاشمی، سید محمد ۱۳۹۴، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مبانی کلی نظام، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ سیزدهم.
۲۵. \_\_\_\_\_ ۱۳۹۰، حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.

#### ب) منابع عربی

۲۶. ثقفی کوفی اصفهانی، محمد بن یزید ۱۳۵۵، سنن، جلد دوم، بیروت: دارالاحیاء التراث رومی.
۲۷. حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن، بی تا، وسایل الشیعه، جلد هجدهم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

۲۸. عبدالاسلام، عزالدین ۱۹۶۸م، قواعد الاحکام فی مصالح الانام، جلد دوم، قاهره: بی نا.
۲۹. عوده، عبدالقادر، بی تا، التشریح الجنائی الاسلامی، جلد اول، بیروت: دارالکاتب العربی.
۳۰. مفید، شیخ عبدالله، بی تا، تصحیح اعتقادات الامیه، قم: تحقیق مجمع الفکر الاسلامی.

